

عملیات فروغ جاویدان

پن پست در الاستراتژی

ناصر شبانی *

چکیده مقاله

پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، ارتش عراق در محورهای جنوب و غرب به خاک ایران حمله و بیشتر از ماه‌های اول جنگ، در غرب کشور پیش روی کرد. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نیز با استفاده از فرصتی که ارتش عراق فراهم کرده بود، در منطقه قصر شیرین وارد خاک ایران شد و عملیات فروغ جاویدان را در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. سازمان با فراخوانی نیروهای خود و با تجهیز ۲۵ تیپ رزمی به استعداد ۱۶۰ تا ۱۸۰ نفر وارد خاک ایران شد. از جمله اهداف مهم این عملیات تصرف شهرهای بزرگ کرمانشاه، همدان، قزوین و تهران بود. سازمان قصد داشت با ورود به این شهرها، در گام اول مخالفین را سازمان دهی کرده و علیه تأسیسات آن شهر به کار گیرد و سپس مردم را علیه نظام تحریک کند. این اقدام براساس تحلیل رهبران سازمان از سرنوشت نهایی جنگ، و در نهایت شکست ایران بود و آنها چنین تصور می کردند که این رویداد سرنوشت ساز با شکست ایران در جنگ خاتمه می یابد و در نتیجه، واگرایی مردم به نظام سیاسی به اوج رسیده و مردم آماده شورش علیه نظام خواهند بود! در این شرایط نیروهای ارتش

آزادی بخش وارد عمل شده و با بسیج نیروهای مخالف نظام، انرژی نهفته مردم را فعال کرده و دامنه شورش علیه نظام را گسترش خواهند داد و در نتیجه، نظام سیاسی ایران دچار فروپاشی می شود. براساس گفته‌های مسعود رجوی -رهبری سازمان- این عملیات از قبل طراحی و برنامه ریزی شده و قرار بود در سالگرد حمله عراق به ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) اجرا شود؛ اما با تصمیم غیرمترقبه رهبران ایران (پذیرش قطع نامه ۵۹۸) و احتمال برقراری آتش بس، رهبری سازمان مجبور شد تا پیش از موعد مقرر و با تعجیل، عملیات ویژه خود را آغاز کند.

نحوه اجرای عملیات نیز نشان می داد که این حرکت، عجولانه و شتاب زده انجام شده است. با آغاز عملیات فروغ جاویدان، نیروهای ارتش آزادی بخش وارد خاک ایران شدند و در کمتر از ۲۴ ساعت با تصرف شهرهای کردند و اسلام آباد خود را به نزدیکی شهر کرمانشاه رساندند. مردم برخلاف تصور آنها نه تنها با ارتش آزادی بخش همراهی نکردند بلکه به شیوه‌های مختلف با نیروهای سپاه و بسیج همکاری کرده و در نهایت نیز شکست سنگین دیگری را به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تحمیل کردند.

در تحقیق حاضر این فرضیه که سازمان مجاهدین خلق در

در تحقیق حاضر این فرضیه که سازمان مجاهدین خلق در این عملیات، گذشته از دلایل تاکتیکی و عملیاتی، به چه دلایل راهبردی شکست خورد؟ مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده معتقد است که دلیل اصلی و راهبردی شکست سازمان در عملیات فروغ جاویدان، تحلیل غلط و نادرست رهبری سازمان از شرایط داخلی ایران است.

تحقیق حاضر به دنبال بررسی این فرضیه است که صرف نظر از مسائل تاکتیکی و عملیاتی، دلیل اصلی و راهبردی شکست عملیات سازمان مجاهدین خلق موسوم به عملیات فروغ جاویدان که در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ صورت گرفت، چه بود؟ نگارنده در جست و جو برای یافتن پاسخی مستند از میان پاسخ های محتمل، به این نتیجه رسیده است که دلیل اصلی و راهبردی شکست سازمان مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان، تحلیل نادرست سازمان از شرایط داخل کشور ایران بوده است. رهبری سازمان با این تحلیل که نظام سیاسی ایران در اثر شکست های نظامی و سیاسی و نیز ناتوانی اقتصادی مجبور به پذیرش شکست در جنگ شده و برای جلوگیری از شکاف میان مردم و نظام و فروپاشی کامل، قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته است، به ایران حمله کرد. براساس این تحلیل، نقطه ثقل موفقیت این طرح، بر جذب، سازمان دهی و به کارگیری مردم ناراضی یا بی تفاوت، استوار شد که در اوج واگرایی نسبت به نظام سیاسی قرار دارند و سازمان خواهد توانست آنان را به سمت شورش و درگیری با نظام هدایت کند. نادرست بودن این تحلیل موجب شد که نقطه اتکای طرح (نارضایتی مردم و شورش آنان) سست شده و سازمان در همان مراحل اولیه با شکست روبه رو شود. در واقع شکست حرکت سازمان مجاهدین توسط کسانی رقم خورد که سازمان تصور می کرد با پشتوانه آنها پیروز خواهد شد. در این شرایط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موفق شد با بسیج و سازمان دهی مردم و به صحنه آوردن آنها، شکست مجدد ارتش

این عملیات، گذشته از دلایل تاکتیکی و عملیاتی، به چه دلایل راهبردی شکست خورد؟ مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده معتقد است که دلیل اصلی و راهبردی شکست سازمان در عملیات فروغ جاویدان، تحلیل غلط و نادرست رهبری سازمان از شرایط داخلی ایران است.

کلید واژه

سازمان مجاهدین خلق، منافقین، عملیات فروغ جاویدان، عملیات مرصاد، امنیت داخلی و عملیات نفوذی

مقدمه

سازمان مجاهدین خلق به همراه ارتش عراق پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران با تصور تغییر موازنه قوا در جنگ و بحرانی شدن شرایط داخلی کشور، دست به حمله علیه ایران زدند. سازمان مجاهدین خلق که تمام توان خود را در این حمله به کار گرفته بود، از مدت ها قبل در پی فرصتی برای وارد آوردن ضربه ای اساسی به حکومت ایران بود. این تهاجم در صورت موفقیت، می توانست ایران را در آستانه ورود به شرایط جدید پس از جنگ، با دشواری های بسیار زیادی در عرصه داخلی و بین المللی روبه رو کند.

انگیزه اصلی سازمان مجاهدین از این تهاجم، تحلیل رهبران سازمان از شرایط داخلی ایران بود. آنها با این تصور که نظام سیاسی ایران در اثر جنگ و فشارهای اقتصادی، بین المللی، سیاسی و اجتماعی در ضعیف ترین شرایط قرار دارد، نیروهای خود را از سایر کشورها به داخل عراق فراخواندند و با تشکیل تجهیز و آموزش ۲۵ تیپ رزمی در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ از مرزهای غربی ایران وارد کشور شدند.

رهبران سازمان معتقد بودند که در حمله به ایران، اکثریت مردم که از وضعیت جاری کشور و فشارهای ناشی از هشت سال جنگ، ناراضی هستند و نسبت به سرنوشت کشور بی تفاوت شده اند، به آنها خواهند پیوست و سازمان می تواند با سازماندهی و به کارگیری آنها، حرکتی توده ای را به راه انداخته و نظام سیاسی ایران را دچار فروپاشی کند و قدرت را به دست گیرد.

عراق و سازمان در عملیات فروغ جاویدان را رقم بزنند. مقاله در ۹ بخش تحت عنوان: فعالیت های سازمان از شکل گیری تا ورود به عراق، اهداف، استراتژی و تحرکات سازمان در عراق، عملیات های عمده سازمان، تحلیل سازمان از شرایط جدید پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸، عملیات فروغ جاویدان، تعجیل در عملیات براندازی، عملیات مرصاد و نتایج و آزمون فرضیه ارائه شده است.

فعالیت های سازمان از شکل گیری تا ورود به عراق

سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۴ با هدف رفع نواقص مبارزات گذشتگان و تربیت کادرهای همه جانبه ای که بتوانند هدایت مبارزه علیه رژیم پهلوی را بر عهده بگیرند، تشکیل شد. مسئولان سازمان با الهام از آموزه های دینی و نیز تجربه مبارزاتی گروه های انقلابی و مارکسیستی در سایر کشورها در صدد برآمدند تا فعالیت های خود را به علم مبارزه مجهز کنند. هرچند این اقدامات، کادرهای سازمان را به فنون جدید مبارزه آشنا ساخت، اما به تدریج موجب انحراف فکری عده ای از اعضا شد. این انحرافات به مرور کادرهای اصلی سازمان را نیز دربرگرفت و ماهیت مبارزه را در هاله ای از ابهام فرو برد. (۱) مسئولان سازمان با مشاهده چنین تحولاتی سرانجام در سال ۱۳۵۴ طی اعلامیه ای رسماً اعلام کردند که رهبری سازمان، مشی مارکسیستی را به عنوان ایدئولوژی سازمان پذیرفته است. این اقدام باعث شد که سازمان عملاً پشتوانه های فکری و مردمی خود را از دست بدهد و در سال های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۵۴) به گروهی منزوی در داخل زندان ها تبدیل شود. (۲) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین با بازسازی ساختار، ایدئولوژی و سایر کادرهای خود، مجدداً وارد عرصه فعالیت سیاسی شد.

تلاش اصلی سازمان در ماه های تأسیس نظام جدید، نفوذ در لایه های مختلف نهادها و سازمان های حکومتی بود. رهبری سازمان قصد داشت با نفوذ در لایه های قدرت، موقعیت خود را در نظام آینده تثبیت کند و بخش هایی از حاکمیت را در اختیار گیرد. (۳) جذب و تثبیت کادرها، اعضا و هواداران از دیگر

فعالیت های سازمان در این دوران بود.

هدف از این اقدام، گسترش موقعیت اجتماعی سازمان در حدیک حزب فراگیر بود تا امکان دستیابی رهبری به لایه های فوقانی قدرت تسهیل کند. در مجموع اقدامات فوق که بسیار زیرکانه و با ظاهری مظلومانه صورت می گرفت نتوانست چهره اصلی و درونی سازمان را پنهان کند. آنها با موضع گیری در مقابل امام و مسئولین مورد علاقه مردم، عملاً خود را رو در روی مردم قرار دادند و با افراط در این زمینه، فعالیت های مخفی و تروریستی خود را وسعت بخشیدند. وسعت عملیات های تروریستی که با اعلام رسمی سازمان صورت می گرفت عملاً سازمان را وارد فاز جنگ مسلحانه کرد. رجوی با اعلام این مشی، هدف سازمان را براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد و در عمل به بازوی عملیاتی دشمنان خارجی کشور تبدیل شد. (۴) در چنین شرایطی نیروهای امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مقابله با سازمان پرداختند و بسیاری از کادرها و اعضای سازمان را دستگیر کردند. (۵) رهبران سازمان که خود را در آستانه دستگیری و سازمان را در معرض فروپاشی می دیدند، ترجیح دادند سازمان و کادرهای باقی مانده را به خارج از کشور منتقل کنند. (۶) فرار رجوی همراه با بنی صدر به فرانسه در تیر ماه ۱۳۶۱، سازمان را وارد فاز جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران کرد.*

رهبران سازمان با این تصور که می توانند در آینده ای نزدیک به کشور بازگردند مبارزات سیاسی و نظامی خود را سازماندهی کردند؛ اما طولانی شدن حضور آنان در خارج از کشور به دلیل ثبات نظام سیاسی ایران و همسویی منافع سازمان با دشمنان متعدد جمهوری اسلامی ایران، سبب شد رهبران سازمان با امید شکست ایران در جنگ با عراق، ورود به این صحنه را فرصت مناسبی جهت براندازی جمهوری اسلامی و در نتیجه به دست گرفتن قدرت در ایران تشخیص دهند.

اهداف، استراتژی و تحرکات سازمان در عراق

رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران که همراه با بنی صدر از کشور گریخته و به فرانسه رفته بود، شورای ملی مقاومت را به

عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی ایران راه اندازی و مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را با محوریت این شورا سازمان دهی کرد. (۷) با دستگیری گسترده اعضای سازمان و فرار اعضای باقی مانده آنان نفوذ سازمان در داخل کشور بسیار ضعیف شد و به دلیل محدودیت هایی که در کشورهای اروپایی داشت، تنها توانست به مبارزات سیاسی و عملیات روانی علیه ایران اقدام کند. این مسئله باعث شد تا رهبران سازمان به منظور آغاز دور جدیدی از فعالیت های خود، شرایط مبارزه و وضعیت کشور را مورد بررسی قرار دهند. در نشست هایی که به همین منظور در کشور فرانسه انجام شد مسعود رجوی تحلیل خود را از شرایط جدید چنین عنوان کرد:

سازمان با این تحلیل که سرنوشت نظام به جنگ گره خورده و در نهایت با توجه به سیاست دو ابر قدرت، عراق بازنده جنگ نخواهد بود؛ سعی کرد برای کسب قدرت و سهم شدن در براندازی جمهوری اسلامی ایران وارد خاک عراق شود. (۸) بر این اساس مسعود رجوی پس از امضای معاهده با طارق عزیز در تاریخ ۶۳/۳/۱۷ از پاریس وارد خاک عراق شد. (۹) وی پس از استقرار در عراق در یک دوره یک ساله نیروهای سازمان را به کشور عراق منتقل کرد و همکاری های سازمان را با سازمان اطلاعاتی و ارتش عراق وارد فاز جدیدی کرد. رجوی در یکی از سخن رانی های خود در بدو ورود به عراق اعلام کرد که: «ما هزاران کیلومتر به وطن نزدیک شده ایم و برای براندازی رژیم در ایران بیش از پیش آمادگی داریم.» (۱۰)

این اقدام سازمان نه تنها در میان افکار عمومی مردم ایران بلکه در میان اپوزیسیون نیز مورد اعتراض قرار گرفت و حتی مخالفین جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، رجوی را عنصری خود فروخته و خائن دانستند. (۱۱) رجوی نیز در پاسخ به انتقادات گسترده و نیز خارج شدن از فشارهای داخل و بیرون سازمان گفت: ما برای صلح به عراق می رویم. او با توسل به ایده جنگ، نوعی صلح است، دائماً شعار می داد که صلح، طناب دار رژیم است و کافی است کاری کنیم که رژیم صلح را بپذیرد، آن گاه به طور سیستماتیک ساقط خواهد شد و اگر بحران جنگ

را از رژیم ایران بگیریم، محکوم به فروپاشی است. (۱۲)

سازمان مجاهدین پس از حضور نیروهایش در عراق به اولین تعهد خود در مقابل رژیم عراق عمل کرد و با استقرار در مناطق مختلف این کشور، فعالیت علیه ایران را آغاز کرد. رهبری سازمان برای توجیه این خیانت آشکار به کشور و مردم ایران، مسئله را این طور در بین هواداران عنوان کرد: «همه مردم ایران طالب صلحند و رژیم نیز تا به روند و ورطه شکست نیفتد صلح نمی کند، پس ما باید تمام تلاش خود را معطوف به این نکته کنیم که از طریق کمک به عراق، فشار را به سران رژیم آخوندی آورده و آنها را مجبور به صلح نماییم تا مردم آزاد شوند.» (۱۳) رجوی به همین بهانه فعالیت های جاسوسی برای ارتش عراق را آغاز کرد و سازمان مأمور شد تا ضمن جمع آوری اخبار از داخل یگان ها و نهادهای نظامی و امنیتی ایران - از طریق افراد نفوذی و انتقال آنها به سرویس اطلاعاتی عراق - به تجزیه و تحلیل اخبار و اطلاعات سایر مراکز غیرنظامی پرداخته و تاریخ احتمالی عملیات ها را مشخص و آن را در اختیار ارتش عراق قرار دهد. تخلیه تلفنی ادارات و نهادهای نظامی و امنیتی، تنها یکی از شیوه های سازمان برای دسترسی به اخبار نظامی بود. از دیگر خدمات سازمان مجاهدین به رژیم و ارتش عراق، شنود و استراق سمع مکالمات تلفنی، بی سیم ها و ... بود که به صورت مستقیم و در صحنه های عملیاتی در اختیار فرماندهان ارتش عراق قرار می گرفت. مذاکرات متعدد و طولانی مسعود رجوی و سپهبد صابرالدوری رئیس سازمان استخبارات عراق در آستانه عملیات های ایران، سند مهمی در اثبات این فرآیند است. از دیگر خدمات نظامی که سازمان به عراق ارائه می داد بازجویی و شکنجه اسرای ایرانی بود. (۱۴) سازمان سعی می کرد با انجام عملیات روانی بر روی اسرا آنان را ترغیب کند تا به واحدهای سازمان بپیوندند. این عملیات بیشتر بر روی سربازان وظیفه انجام می شد و نیروهای سازمان، فشار روانی و جسمانی زایدالوصفی را به سربازان اسیر وارد می کردند تا جایی که برخی از آنان حاضر بودند برای رهایی از این فشارها به سازمان بپیوندند. طبق آمار موجود، سازمان از این طریق توانست حدود

سازمان با این تحلیل که سر نوشت نظام به جنگ گره خورده و در نهایت با توجه به سیاست دو ابر قدرت، عراق بازنده جنگ نخواهد بود؛ سعی کرد برای کسب قدرت و سهمیم شدن در براندازی جمهوری اسلامی ایران وارد خاک عراق شود. بر این اساس مسعود رجوی پس از امضای معاهده با طارق عزیز در تاریخ ۶۳/۳/۱۷ از پاریس وارد خاک عراق شد. وی پس از استقرار در عراق در یک دوره یک ساله نیروهای سازمان را به کشور عراق منتقل کرد و همکاری های سازمان را با سازمان اطلاعاتی و ارتش عراق وارد فاز جدیدی کرد.

۱۱۲۷ نفر اسیر ایرانی را جذب و وارد تشکیلات خود نماید. (۱۵) از سوی دیگر احاطه اطلاعاتی افراد سازمان به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران سبب شده بود تا کار تخلیه اطلاعاتی اسرا به آنها واگذار شود. این امر موجب خنثی شدن تاکتیک ضد بازجویی اسرا علیه بازجویان می شد و در برخی موارد منجر به شناسایی افراد مؤثر در جنگ که به اسارت دشمن در آمده بودند، افراد سازمان همچنین با پوشش افراد اسیر، داخل کمپ های اسرا شده و اقدام به جمع آوری اخبار و تخلیه اطلاعاتی اسرامی کردند. (۱۶)

عملیات های عمده سازمان علیه ایران

سازمان مجاهدین پس از ورود به خاک عراق برای رسیدن به اهداف خود، سازمان رزمی جدیدی تشکیل داد و در سال ۱۳۶۴ با استعداد ۱۱۲۰ نفر در منطقه عمومی «ماووت» عراق اقدام به انجام مانور نظامی کرد. فعالیت های سازمان تا این مقطع صرفاً جهت انسجام سازمان و ارتقای کیفیت آموزش نظامی به منظور

انجام عملیات نامنظم و پارتیزانی بود. (۱۷) پس از موفقیت بزرگ ایران در سال ۱۳۶۴ و پیش روی نیروهای سپاه پاسداران در منطقه فاو و تصمیم عراق در گسترش جبهه های جدید در غرب (استراتژی دفاع متحرک)، سازمان با فراخوانی جدی و پر حجم نیروها، عملیات های متعددی علیه مواضع ایران انجام داد. این عملیات ها تا اواخر سال ۱۳۶۵، پایگاه ها و مواضع کوچک دفاعی جمهوری اسلامی را هدف قرار می داد. براساس آمار موجود، از تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۰ تا ۱۳۶۶/۱/۱۸ سازمان مجموعاً ۱۰۴ مورد تحرک علیه مواضع رزمندگان ایران داشته است. (۱۸) سازمان پس از انجام عملیات های محدود و نامنظم در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۹، تشکیل ارتش آزادی بخش ملی را اعلام کرد. در پی تأسیس ارتش آزادی بخش ملی، سازمان طی چهار ماه دو عملیات پارتیزانی گسترده و ۸۴ عملیات ایذایی انجام داد. با عملیاتی شدن ارتش آزادی بخش، تحرکات محدود و پارتیزانی به عملیات هایی با مقیاس متوسط گسترش یافت و سازمان در فروردین ۱۳۶۷ به منطقه فکه هجوم برد و در تیر ماه ۱۳۶۷، به شهر مهران حمله و این شهر را با کمک آتش پشتیبانی و هوایی عراق تصرف کرد.

در عملیات آفتاب که در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۸ حدود ساعت یک نیمه شب انجام شد، خط پدافندی گردان ۳۰۷ ژاندارمری و لشکر ۷۷ خراسان مور هجوم قرار گرفت. این عملیات در طول ۷ تا ۱۲ کیلومتر و در عمق حدود ۲ کیلومتر انجام شد و طی آن نیروهای سازمان که به زبان فارسی تسلط داشتند با غافل گیر کردن نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به پشت خطوط دفاعی آنها نفوذ کرده و پس از کشته و مجروح ساختن تعدادی از نیروهای ایران، ۴۵۰ نفر از آنان را اسیر کرده و تعدادی تانک، نفربر، سلاح و تجهیزات انفرادی را به غنیمت خود در آوردند. همچنین در این عملیات ۳۲ نفر از اعضای سازمان کشته و ۲۳ نفر زخمی شدند. (۱۹)

سازمان پس از گذشت دو ماه از عملیات مذکور و در آستانه سالگرد تأسیس ارتش آزادی بخش ملی، عملیات چلچراغ را در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۳۶۷/۳/۲۸ آغاز کرد که طی آن نیروهای ارتش آزادی بخش در جبهه ای به طول ۱۷ و عمق دو کیلومتر به

منطقه عمومی مهران حمله کرده و شهر مهران را تصرف کردند. سازمان در این عملیات با به اسارت درآوردن قریب ۱۵۰۰ نفر از نیروهای ایران و با غنیمت گرفتن چندین دستگاه تانک و سایر ادوات نظامی، تبلیغات گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت. (۲۰) پس از انجام عملیات چلچراغ، فرمانده ارتش آزادی بخش در جمع بندی این عملیات گفت:

«وقتی می‌توانیم در یک عملیات، شهری را آزاد کنیم پس دسترسی به تهران چندان مشکل نخواهد بود.» (۲۱) بدین ترتیب سازمان با شعار نمادین و بلند پروازانه «مروز مهران، فردا تهران» که هیچ نسبت سیاسی و نظامی با هم نداشتند، هدف عملیات آینده را مرکز ثقل حکومت ایران، یعنی پایتخت قرار داد و جهت رسیدن به سقف توان مورد نیاز یک فرصت سه ماهه را در نظر گرفت. براساس این برآورد، عملیات سرنوشت ساز ارتش آزادی بخش باید در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۳۱، هم زمان با سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق و با هدف نهایی تصرف تهران و فروپاشی حکومت انجام شود.

تحولات صحنه جنگ و شرایط حمله سازمان

در سال ۱۳۶۶، و در پی پیروزی‌های بزرگ ایران در دو عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، قطع نامه ۵۹۸ تصویب شد. در این زمان ارتش آمریکا به بهانه اسکورت نفتکش‌های کشور کویت، وارد خلیج فارس شد و برای اعمال فشار به ایران جهت پذیرش قطع نامه ۵۹۸، مبادرت به درگیری نظامی با نیروهای ایران کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم زمان با درگیری در خلیج فارس با نیروهای آمریکا، عملیات والفجر ۱۰ را در شمال شرقی عراق انجام داد و ارتش عراق در تلاقی این تهاجم، شهر

همان گونه که بیان شد اساساً ورود سازمان مجاهدین به داخل خاک عراق و همکاری گسترده با رژیم و ارتش عراق بر مبنای این فرضیه صورت گرفت که با توجه به مواضع سرسختانه امام در مقابل صدام و رژیم بعث، ناتوانی ایران در غلبه بر ارتش عراق و مواضع جانبدارانه قدرت‌های بزرگ از عراق و توانایی‌های ارتش عراق، جنگ در نهایت با شکست ایران و فروپاشی حکومت پایان خواهد یافت و این فرصت تاریخی مناسبی برای سازمان است تا از این موقعیت استثنایی بهره‌برده و حاکمیت در ایران را در اختیار گیرد.

حلبچه را بمباران شیمیایی کرد. با آغاز سال ۱۳۶۷ نتایج فرسایشی شدن جنگ ۸ ساله در جبهه ایران نمایان و عقب ماندگی‌های اساسی ایران در مقایسه با عراق هویدا شد. ارتش عراق در یک سلسله عملیات، موفق به آزادسازی فاو، شلمچه و جزایر مجنون شد و خسارت‌های فراوانی را بر نیروهای مسلح ایران وارد کرد. در این بین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع از جنوب کشور از منطقه

حلبچه عقب نشینی و نیروهای خود را به جنوب کشور منتقل کرد. ارتش آمریکا که در جریان هجوم‌های اخیر عراق به ایران با این کشور همکاری داشت،* با حمله به هواپیمای مسافربری ایران، عزم خود را برای پایان دادن به جنگ دو کشور نشان داد. مسئولین جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات اخیر صحنه جنگ ایران و عراق و نیز وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تصمیم گرفتند قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته و به جنگ ۸ ساله خاتمه دهند. مسئولین کشور عراق که از پایان جنگ با اهرم قطع نامه چندان راضی نبودند با طراحی و انجام عملیات‌های زمینی و هوایی، شروع به کارشکنی در روند اجرای آتش بس کردند. به نظر مسئولین عراق قطع نامه ۵۹۸، در اوج برتری‌های ایران به تصویب رسیده و به همین دلیل درخواست‌های ایران مورد توجه بیش تری قرار گرفته است. حال آنکه ایران هنگام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در شرایط بسیار ضعیفی قرار دارد و برتری از آن عراق است. بنابراین قطع نامه ۵۹۸ متضمن تمامی خواسته‌های عراق نیست و تجدید نظر در مفاد آن ضروری به نظر می‌رسد. براساس نظریه شورای امنیت سازمان ملل می‌بایست با تجدید نظر در مفاد قطع نامه ۵۹۸، منافع بیش تری را برای طرف عراقی جنگ در نظر بگیرد. رهبران عراق

که دست‌یابی به چنین خواسته‌ای را با فعالیت دیپلماتیک امکان‌پذیر نمی‌دیدند، تنها راه موفقیت خود را برای کسب موقعیت برتر در مذاکرات و تغییر بندهای قطع‌نامه ۵۹۸، تهاجم مجدد به ایران تشخیص دادند و در یک برنامه حساب شده نیروهای خود را مجدداً به سمت غرب کشور و در جنوب به سمت خرمشهر و اهواز حرکت دادند. هماهنگ با این اقدام، ارتش آزادی‌بخش مجاهدین نیز از منطقه غرب وارد خاک کشور ایران شد و به سمت کرمانشاه پیش‌روی کرد.

تحلیل سازمان از شرایط جدید پس از پذیرش قطع‌نامه

۵۹۸

همان‌گونه که بیان شد اساساً ورود سازمان مجاهدین به داخل خاک عراق و همکاری گسترده با رژیم و ارتش عراق بر مبنای این فرضیه صورت گرفت که با توجه به مواضع سرسختانه امام در مقابل صدام و رژیم بعث، ناتوانی ایران در غلبه بر ارتش عراق و مواضع جانبدارانه قدرت‌های بزرگ از عراق و توانایی‌های ارتش عراق، جنگ در نهایت با شکست ایران و فروپاشی حکومت پایان خواهد یافت و این فرصت تاریخی مناسبی برای سازمان است تا از این موقعیت استثنایی بهره‌برده و حاکمیت در ایران را در اختیار گیرد. با این تحلیل، سازمان اقدامات زیر را برای آمادگی جهت ورود به ایران انجام داد:

۱- معرفی سازمان به مجامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا به عنوان تنها آلترناتیو جمهوری اسلامی ایران

۲- مشارکت با قدرت‌های بزرگ و عراق در شکست دادن

ایران

۳- همکاری عملیاتی با ارتش عراق در حمله مجدد به کشور

ایران، برای نشان دادن قدرت نظامی سازمان و ضعف نظامی

ایران

۴- تشکیل سازمان مستقل نظامی برای ورود به موقع به داخل

کشور و حداکثر بهره‌برداری از فرصت

۵- همکاری گسترده با دشمنان ایران از جمله آمریکا،

اسرائیل و عراق به منظور جلب حمایت آنان از حکومتی که در

آینده در ایران تشکیل خواهند داد. (۲۲)

با انجام اقدامات فوق رهبران سازمان در انتظار فرصت تاریخی برای ورود به ایران بودند. با تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل و عدم قبول آن توسط ایران و در نتیجه افزایش فشارهای بین‌المللی به ایران و نیز هجوم گسترده ارتش عراق به مناطق جنوب، به نظر می‌رسید شرایط مورد نظر سازمان فراهم شده باشد. به همین دلیل آنها سالگرد شروع جنگ را مبنای ورود خود به داخل کشور قرار دادند و خود را برای عملیات در چنین تاریخی آماده می‌کردند. (۲۳) با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ توسط ایران و الزامات بین‌المللی که این قطع‌نامه برای دو کشور ایجاد می‌کرد، رهبران سازمان در تنگنای تصمیم‌گیری قرار گرفتند. با تصمیم غیرمترقبه ایران، در صورتی که آتش‌بس میان دو کشور برقرار می‌شد دیگر فرصتی برای سازمان وجود نداشت تا وارد خاک ایران شود، در نتیجه تمام تلاش‌های سازمان در چند سال همکاری با عراق از بین می‌رفت و این همکاری جز لکه‌نگی در کارنامه سازمان، نتیجه دیگری دربر نداشت. در چنین شرایطی رهبری سازمان جلسه‌ای اضطراری تشکیل داد و به بررسی وضعیت جدید پرداخت. نتیجه این جلسه اقدام عاجل و سریع سازمان در انجام عملیات سرنوشت‌ساز بود. (۲۴) رهبری سازمان معتقد بود به دلیل آنکه ایران تاکنون بر ادامه جنگ تا سقوط صدام و حزب بعث اصرار داشته، قبول قطع‌نامه ۵۹۸ مشروعیت تصمیم‌گیرندگان رژیم ایران را به شدت زیر سؤال برده و با توجه به شکست‌های اخیر ایران در مقابل عراق و تهاجم آمریکا به سکوها نفتی و هواپیمای مسافربری ایران، شرایط برای حمله نهایی به ایران آماده شده است و مردم و اوج واگرایی نسبت به حکومت قرار دارند. (۲۵)

از سوی دیگر کشور عراق نیز در اوایل سال ۱۳۶۷ با پشتیبانی‌های بیش‌تر از سوی شوروی و آمریکا و به کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف به چند پیروزی مهم در جنگ دست یافته بود و مایل نبود تا قطع‌نامه ۵۹۸ که در اوج برتری‌های ایران به تصویب رسیده و برخی خواسته‌های ایران در آن لحاظ شده بود، ملاک عمل بین دو کشور باشد.

به همین دلیل عراق نیز تلاش داشت تا قبل از برقراری آتش بس با تصرف منطقه ای مهم در خاک ایران، ابزار و امکان چانه زنی در مذاکرات بین دو کشور را افزایش دهد. این عملیات مورد نظر و خواست صدام نیز بود. از این رو ارتش عراق طرح عملیات در منطقه جنوب با هدف تهدید شهرهای خرمشهر، آبادان و اهواز را در دستور کار خود قرار داد. با هماهنگی به عمل آمده میان ارتش عراق و سازمان مجاهدین قرار شد دو عملیات مذکور با فاصله حداکثر چهار روز از یکدیگر انجام شود. در این طرح ابتدا ارتش عراق به سمت شهرهای مذکور حرکت می کرد تا با سرگرم کردن عمده قوای ایران در جنوب، زمینه لازم را برای حرکت ارتش آزادی بخش در غرب ایران فراهم کند. به نظر می رسید این اقدام چندان مورد موافقت و حمایت نظام بین الملل و قدرت های بزرگ قرار نگیرد، اما در این میان رژیم صهیونیستی از تداوم جنگ بهره های فراوان می برد. بنابراین رژیم اشغال گر قدس به دلایل زیر مایل به پایان جنگ نبود و تلاش می کرد تا جنگ همچنان ادامه یابد:

۱) تداوم جنگ توان دو کشور قدرت مند منطقه که سابقه مخالفت و مبارزه علیه اسرائیل داشتند را تضعیف می کرد.

۲) هر دو کشور در جبهه مخالفین اسرائیل قرار داشتند و رهایی آنان از جنگ، به ضرر اسرائیل ارزیابی می شد.

۳) با پایان جنگ هشت ساله، توان دو کشور قدرت مند منطقه تهدیدی علیه اسرائیل محسوب می شد.

۴) اسرائیل اصلی ترین دشمن ایران در منطقه بود و پایان جنگ باعث می شد تا کانون توجهات انقلابیون ایران به سوی اسرائیل معطوف شود.

۵) با پایان جنگ، درگیری اسرائیل با فلسطینی ها به اصلی ترین موضوع منطقه تبدیل می شد.

۶) حمایت از مبارزین فلسطینی و کشورهای عربی که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل قرار داشتند، گسترش می یافت.

در تحلیل سازمان، کشور عراق به عنوان اصلی ترین عامل موفقیت طرح و کشور اسرائیل به عنوان حامی بین الملل این طرح محسوب می شدند. در این صورت اگر سازمان مجاهدین

عملیات خود را با موفقیت انجام می داد، نفوذ گسترده اسرائیل در امریکا و تأثیرگذاری بر سیاست های این کشور می توانست در جلب حمایت های بین المللی از اقدام سازمان مؤثر باشد. (۲۶) در مجموع رهبری سازمان با در نظر داشتن شرایط داخل ایران و نظام بین الملل و توجه به این نکته که ممکن است آخرین فرصت به دست آمده با گذشت زمان از بین برود و سازمان نتواند از مجموعه شرایط حاضر بهره برداری کند، دستور انجام عملیات را در کوتاه ترین زمان ممکن صادر کرد.

عملیات فروغ جاویدان، تعجیل در عملیات براندازی

استراتژی سازمان پس از تصرف مهران، انجام عملیاتی بزرگ و سرنوشت ساز در ۱۳۶۷/۶/۳۱ بود، اما پذیرش قطع نامه ۵۹۸ توسط ایران، رهبران سازمان را دچار حیرت کرد. در چنین شرایطی رهبری سازمان تلاش کرد تا با وجود نداشتن آمادگی، زمان عملیات را تغییر داده و پیش از زمان مقرر، عملیات را انجام دهد. عملیات فروغ جاویدان با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شد و فتح تهران نقطه پایان آن بود.

لازم است عنوان شود که در همین زمان به دلیل آنکه قطع نامه ۵۹۸ از سوی دو کشور عراق و ایران پذیرفته شده بود و به نظر می رسید انجام عملیات از سوی یکی از دو کشور، مقبولیت حقوقی و بین المللی نداشته و به شدت مورد اعتراض

استراتژی سازمان پس از تصرف مهران،

انجام عملیاتی بزرگ و سرنوشت ساز در

بود، ۱۳۶۷/۶/۳۱

اما پذیرش قطع نامه ۵۹۸ توسط ایران،

رهبران سازمان را دچار حیرت کرد. در چنین

شرایطی رهبری سازمان تلاش کرد تا با وجود

نداشتن آمادگی، زمان عملیات را تغییر داده و

پیش از زمان مقرر، عملیات را انجام دهد.

عملیات فروغ جاویدان با هدف براندازی نظام

جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شد و فتح

تهران نقطه پایان آن بود.

سازمان ها و افکار عمومی بین المللی قرار خواهد گرفت، با این همه ارتش عراق بدون توجه به این مسائل مجدداً وارد خاک ایران شد و به سمت شهرهای خرمشهر و اهواز در جنوب و غرب کشور حرکت کرد. در واقع عملیات فروغ جاویدان در شرایط پیچیده سیاسی، نظامی و عدم حضور نیروهای سپاه پاسداران در غرب کشور شکل گرفت.

در این زمان یگان های سپاه پاسداران برای مقابله با حملات گسترده ارتش عراق در جنوب و تهاجم مجدد این کشور به خرمشهر و اهواز در مناطق جنوب مستقر بودند و عدم حضور آنان (نیروهای سپاه پاسداران و بسیج) در غرب کشور، ضریب موفقیت سازمان مجاهدین را افزایش می داد. از این رو سازمان در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۸، یک روز پس از قبول قطع نامه ۵۹۸ توسط ایران، با اعلام آماده باش تغییرات زیر را در ارتش آزادی بخش ایجاد کرد. (۲۷)

۱- تعداد تیپ ها را از ۱۵ تیپ به ۲۵ تیپ (هر تیپ حدود ۱۶۰ تا ۲۳۰ نفر) افزایش داد.

۲- تیپ مستقل زنان در سایر تیپ ها ادغام شد.

۳- تجهیزات رزمی جدید در قالب گردان های تانک، و ادوات در تیپ ها سازماندهی شدند.

۴- نزدیک به ۱۴۰۰ اسیر ایرانی که قول همکاری با سازمان داده بودند را در تیپ ها سازماندهی کرد.

۵- درصد قابل ملاحظه ای از نیروهای خود را که خارج از کشور عراق فعالیت می کردند (حدود ۶۰۰ نفر) فراخوانی و آنها را در قالب تیپ های جدید سازماندهی کرد.

۶- در کنار ۲۵ تیپ رزمی، سایر واحدهای عملیاتی را به نام های تسلیحات، هوانیروز، ترابری، امداد، مخابرات و دفتر ستاد تشکیل داد.

۷- سازمان در این مرحله برخلاف عملیات های قبل، از سلاح ها و تجهیزات مدرن و پیش رفته استفاده کرد. (۲۸)

۸- سازمان از نیروی هوایی و هوانیروز ارتش عراق درخواست کرد تا به منظور پشتیبانی هوایی از عملیات فروغ جاویدان، با ارتش آزادی بخش همکاری کند که این مسئله با

قول مساعد صدام و فرماندهان نیروی هوایی و هوانیروز عراق روبه رو شد.

طرح مانور

سازمان برای رسیدن به هدف نهایی خود (تهران) یک طرح پنج مرحله ای را در دستور کار خود قرار داده بود که طی آن چهار شهر مهم اسلام آباد، باختران، همدان و قزوین را تصرف و مراکز مهم آنها را منهدم کرده و با همراه کردن جمعیت مخالف، به سمت هدف نهایی حرکت می کردند.

مرحله اول: حرکت از قرارگاه و تصرف اسلام آباد با

زمان بندی زیر

ساعت ۱۵:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ حرکت از قرارگاه

ساعت ۱۶:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ عبور از مرز

ساعت ۱۸:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ تصرف قصر شیرین

ساعت ۲۰:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ تصرف کردند

ساعت ۲۲:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ تصرف اسلام آباد

مرحله دوم: تصرف باختران

نیروهای سازمان باید رأس ساعت ۲۴:۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳

وارد باختران شده و هدف های زیر را به تصرف در می آوردند:

(۱) مقر ۴۲۵ قرارگاه رمضان

(۲) مقر تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) قرارگاه نجف

(۳) پادگان های شهید بروجردی و صالح آباد

(۴) مقر سپاه بدر

(۵) مقر سپاه چهارم بعثت

(۶) مرکز بسیج

(۷) پادگان های شهید رجایی و هوانیروز

(۸) مرکز آموزش ارتش

(۹) استانداری

(۱۰) کمیته

(۱۱) شهربانی

(۱۲) ژاندارمری

(۱۳) ساختمان مخابرات

(۱۴) رادیو و تلویزیون

(۱۵) زندان دیزل آباد

(۱۶) فرودگاه شهر باختران

مرحله سوم: تصرف همدان

طبق طرح قرار بود واحدهای ارتش آزادی بخش رأس ساعت ۵ صبح ۱۳۶۷/۵/۴ همدان را محاصره کرده و مراکز زیر را به تصرف درآورند:

(۱) پایگاه هوایی نوژه

(۲) مرکز سپاه

(۳) مرکز آموزش سپاه

(۴) زندان وزارت اطلاعات

(۵) مرکز اعزام نیرو

(۶) بسیج منطقه

(۷) ساختمان کمیته

(۸) زندان شهر

(۹) ساختمان دادگاه انقلاب

(۱۰) پادگان های قدس و ابوذر

(۱۱) مقر یکم لشکر ۱۶ قزوین

مرحله چهارم: تصرف قزوین

براساس طرح مانور، یگان های ارتش آزادی بخش باید رأس ساعت ۱۱ صبح مورخه ۱۳۶۷/۵/۴ به قزوین رسیده و مراکز زیر را پاک سازی کنند:

(۱) مرکز سپاه

(۲) پادگان لشکر ۱۶ قزوین

(۳) پادگان های بسیج و سپاه

(۴) ساختمان بنیاد شهید

(۵) سپاه شریف آباد

(۶) ساختمان کمیته انقلاب اسلامی

(۷) تأسیسات و مراکز اداره اطلاعات

(۸) صنایع موشکی

(۹) ترابری جهاد

(۱۰) مقر شهربانی

(۱۱) پادگان ژاندارمری

(۱۲) ایستگاه گاز

مرحله پنجم: تصرف تهران (۲۴ ساعت پس از تصرف

قصر شیرین)

سازمان پس از گذراندن مراحل چهارگانه فوق قرار بود طبق طرح در ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۳۶۷/۵/۴ به تهران رسیده و ضمن محاصره و تصرف کامل شهر، مراکز زیر را به اشغال خود درآورد:

(۱) بیت امام

(۲) ساختمان مجلس شورای اسلامی

(۳) مقر ریاست جمهوری

(۴) ساختمان نخست وزیری

(۵) رادیو و تلویزیون

(۶) زندان اوین

(۷) قصر فیروزه

(۸) و ... سایر مراکز مهمی که در کنترل شهر و دولت نقش داشتند.

نکته قابل توجه در مراحل اجرایی طرح این بود که تیپ هایی که مسئولیت تصرف شهرهای مختلف را در هر مرحله به عهده داشتند بدون توجه به موفقیت مرحله قبل، حرکت خود را به سمت هدف بعدی آغاز می کردند تا اصل سرعت عمل در دست یابی به اهداف و غافل گیر کردن مسئولین و فرماندهان ایران تأمین شود. در واقع اجرای هر مرحله از طرح بدون توجه به موفقیت یا عدم موفقیت مرحله قبل انجام می شد.

سازمان رزم

از مجموع ۵۵۰۰ نفر نیروهای موجود سازمان در عراق، قریب به ۴۸۰۰ نفر آنها در تیپ های ارتش آزادی بخش سازمان دهی شدند که تعدادی از آنها را نیروهای اداری و خدماتی تشکیل می دادند. کیفیت نیروهای سازمان دهی شده در بدنه ارتش آزادی بخش با توجه به میزان حضور آنان در کشور عراق متفاوت بود و به طور کلی شامل سه بخش اصلی می شد:

الف) بخش اول: نیروهای ثابت

نیروهای ثابت ارتش آزادی بخش افرادی بودند که از ابتدای

ورود سازمان به خاک عراق به این کشور آمده و در پادگان‌های سازمان، آموزش‌های مناسبی دیده بودند.

ویژگی‌های آنان اطاعت‌پذیری مطلق، آموزش کافی و تجربیات زیاد بود که حدود ۳۱۸ نفر از افراد سازمان دهی شده را شامل می‌شدند.

ب) نیروهای تازه وارد:

نیروهای تازه وارد، افرادی بودند که بنا به ضرورت با یک فراخوان عمومی از نقاط مختلف دنیا و به ویژه اروپا وارد عراق شده و در سازمان یگان‌های ارتش آزادی بخش قرار گرفته بودند. این دسته به علت زمان محدود برای آموزش نظامی از کیفیت پایینی برخوردار بودند و بیشتر نقش خدماتی را ایفا می‌کردند.

ج) نیروهای اسیرالحاقی:

حدود ۱۲۰۰ نفر از اسرایی که تحت فشار و عملیات روانی سازمان، به ارتش آزادی بخش پیوسته بودند در تیپ‌ها و سایر

واحدهای عملیاتی سازمان دهی شده بودند که به دلیل انگیزه بسیار پایین به عنوان سپاهی لشکر از آنها استفاده می‌شد.

ساختار فرماندهی ارتش آزادی بخش در عملیات فروغ

جاویدان

الف) فرمانده کل:

مسعود رجوی

مریم قجر عضدانلو (رجوی) جانشین فرمانده کل

ب) فرماندهان ارشد:

محمود عطایی: فرمانده محور پنجم و مسئول تسخیر تهران

مهدی ابریشمچی: جانشین فرمانده تهران

مهدی افتخار: فرمانده محور چهارم و مسئول تصرف قزوین

محمود مهدوی: فرمانده محور سوم و مسئول تصرف

همدان

ابراهیم ذاکری: فرمانده محور دوم و مسئول تصرف باختران

مهدی براتی: فرمانده محور اول و مسئول تصرف اسلام آباد

جمشید تفرشی: مسئول کل تدارکات

محمدعلی جابرزاده: مسئول کمیته تبلیغات (رادیو و

تلویزیون و نشریات)

محمد سیدالمحدثین: مسئول کل سیاسی

مهرداد صدر حاج سیدجواد: مسئول دفتر فرماندهی کل

ج) فرماندهان ستادی و پشتیبانی رزم:

یوسف: مسئول تسلیحات

حسن نظام الملک: مسئول هوانیروز

حشمت: مسئول مخابرات

محمد قجر عضدانلو: مسئول ترابری

ساختار عملیاتی:

۱) محور اول: مهدی براتی با کد احمد واقف

استعداد: ۳ تیپ

فرماندهان تیپ: منصور حجت (جواد برومند)،

جهانگیر (پرویز کریمیان) و فرد ناشناس

مأموریت: عبور از مرز و تسخیر کرد و در نهایت تصرف

اسلام آباد

با طلوع آفتاب روز ۱۳۶۷/۵/۴، هجوم نیروهای

خودی به واحدهای ارتش آزادی بخش آغاز

شد. با اولین فشار قرارگاه نجف ۱ از سمت تنگه

چهارزبر، نیروهای سازمان دست به

عقب نشینی زدند، اما بلافاصله تیپ محور

همدان ارتش آزادی بخش خود را به خاکریزها

رساند و شروع به مقاومت کرد. در این فاصله

برادر حمیدی نیا به نیروهای احتیاط خود که در

تپه‌های اطراف تنگه چهارزبر مستقر بودند

فرمان حمله داد و آنان نیز پس از شلیک

تعدادی گلوله خمپاره خود را به خاکریزها

رسانده و به نیروهای سازمان هجوم بردند.

فرماندهی محور همدان سازمان با مشاهده

این هجوم سنگین، بسیار مأیوس و ناامید شد

و دستور عقب نشینی داد.

۲) محور دوم: ابراهیم ذاکری با کد صالح

استعداد: ۵ تیپ

فرماندهان تیپ: مهین رضایی، اصغر زمان وزیری، مهدی مددی، عذرا علوی طالقانی و جعفر مأموریت: پیش روی در جاده اسلام آباد به باختران و تصرف شهر باختران و مراکز حساس آن

۳) محور سوم: محمود مهدوی با کد قائم شهر

استعداد: ۲ تیپ

فرماندهان تیپ: بهمن و جواد مأموریت: عبور از جاده باختران به همدان و تصرف شهر همدان و مراکز حساس آن

۴) محور چهارم: مهدی افتخار با کد ناصر

استعداد: ۲ تیپ

فرماندهان تیپ: حمید و ادیب مأموریت: پیش روی در جاده همدان به قزوین و تصرف شهر و تأسیسات مهم قزوین

۵) محور پنجم: محمود عطایی و معاون وی مهدی

ابریشمچی

استعداد: ۱۳ تیپ

فرماندهان تیپ ها: آذر (محبوبه جمشیدی)، حبیب (محسن رضایی)، سعید (غلام رضا پور آگل)، سیاوش (محمد حیاتی)، منوچهر، فائزه، افسانه، فضلی (حسن ربوبی)، کاظم (حسین ابریشمچی)، سرور (فاطمه رضایی)، فرشید و مسلم. مأموریت: پیش روی از قزوین به سمت تهران و تصرف شهر تهران

در مجموع کلیه نیروهای سازمان در قالب ۲۵ تیپ به استعداد ۱۶۰ تا ۲۳۰ نفر سازمان دهی شدند که هر تیپ مرکب از دو گردان پیاده، یک گردان تانک، یک گردان ادوات، یک گردان ارکان، یک گروهان پشتیبانی خدمات رزم و یک واحد اداری بود. هر گردان پیاده نیز شامل ۵۰ نیروی رزمی بود که در پنج دسته سازمان دهی شده بودند. تجهیزات هر تیپ نیز عبارت بود از: ۴ دستگاه تانک، ۶ دستگاه خودروی هینو حامل تیربار سبک، ۴

دستگاه جیب حامل تیربار دوشکا، ۲ دستگاه جیب حامل تفنگ ۱۰۶ میلی متری، ۲ دستگاه جیب حامل تیربار دولول، یک دستگاه ایفا حامل ضد هوایی چهارلول و خودروهای سبک و سنگین لجستیکی.

سیستم مخابراتی هر تیپ شامل یک دستگاه بی سیم تی. اس. تعدادی دستگاه بی سیم ایکوم و چند دستگاه بی سیم تمپو بود.

آخرین آمادگی ها در آستانه عملیات

رهبری سازمان در آستانه عملیات ضمن ملاقاتی با مسئولین ارشد استخبارات عراق آمادگی خود را برای انجام عملیات سرنوشت ساز به اطلاع آنان رساند. سرلشکر فاضل البراک تکریتی مدیر سرویس های اطلاعاتی و سپهبد ستاد صابردلوری به همراه مسعود رجوی در حضور شخص صدام جلسه ای تشکیل داده و ابعاد این عملیات و نوع هماهنگی های لازم را مورد بحث قرار دادند. صدام در پایان این جلسه و در اهمیت این عملیات می گوید:

«شاید این آخرین فرصت طلایی برای نابودسازی رژیم فعلی باشد.» (۲۹)

پس از این جلسه با هماهنگی های به عمل آمده، اقدامات عملیاتی ارتش آزادی بخش به سرعت آغاز شد: اقدامات گشتی و شناسایی در خطوط مقدم و عقبه عملیات شروع شد.

دستورات لازم درباره جزئیات طرح ها و اقدامات عملیات در مدت زمان بسیار محدودی به فرماندهان ابلاغ شد.

قرارگاه تاکتیکی ویژه عملیات در قرارگاه سپاه دوم در «منصوریه الجبل» واقع در جاده بغداد- خانقین بازگشایی شد. نیروهای مسلح زمینی و هوایی عراق به حال آماده باش صدر در آمدند.

مأموریت های مشخصی برای نیروی هوایی و هوانیروز ارتش عراق به منظور پشتیبانی از عملیات تعیین شد و اهداف از طریق عکس های هوایی و اطلاعات استخبارات، شناسایی و تعیین شدند.

رهبری سازمان منافقین به قرارگاه عملیاتی «منصور الجبل» منتقل شد.

شرح عملیات

پس از فراهم آمدن مقدمات فوق، ستون یگان‌های ارتش آزادی بخش متشکل از ۲۵ تیپ رزمی رأس ساعت ۶ صبح روز دوشنبه ۱۳۶۷/۵/۳ پس از اجرای مراسم صبحگاهی از قرارگاه خود در عمق خاک عراق به حرکت درآمده و در ساعت ۱۶ از مرز خسروی عبور کردند. به این ترتیب عملیات فروغ جاویدان با ورود نیروهای سازمان به داخل خاک ایران آغاز شد. از آنجایی که عمده قوای ایران جهت دفع تجاوز ارتش عراق، در مناطق عملیاتی جنوب بودند، نیروهای سازمان با حداقل درگیری و تلفات به شهر کردند رسیدند. با ورود نیروهای سازمان به شهر، مردم حیرت زده به این سو و آن سو می‌دویدند و نیروهای نظامی و امنیتی مستقر در شهر نیز به مقاومت در مقابل این هجوم مشغول بودند. رفتار خشن و بی‌رحمانه نیروهای سازمان، مردم بی‌سلاح و وحشت زده را مجبور به فرار می‌کرد. مردان برای نجات فرزندان و زنان خود در پی جان‌پناهی بودند. اندک نیروهای نظامی باقی مانده در شهر تلاش داشتند از پیش روی مهاجمین جلوگیری کنند، اما سرعت عمل نیروهای سازمان و استفاده آنان از خودروهای سبک باعث پیش روی سریع آنان می‌شد. درچنین شرایطی یگان‌های نیروی زمینی سپاه موفق شده بودند، ارتش متجاوز عراق را از شهرهای خرمشهر و آبادان دور سازند و مانع پیش روی آنها به سمت اهواز شوند. در این هنگام نیروهای سازمان از عدم حضور نیروهای ایران سود جسته و با پشتیبانی هوایی عراق به کشتار مردمی پرداختند که در حال حرکت به سمت اسلام‌آباد بودند. با نزدیک شدن نیروهای سازمان به شهر اسلام‌آباد، مردم با تصور اینکه ارتش عراق مجدداً به شهرهای مرزی ایران تجاوز کرده است پا به فرار گذاشتند و خود را به ارتفاعات اطراف شهر رساندند. عده دیگری از مردم نیز با استفاده از خودرو به سمت باختران در حال حرکت بودند. هم‌زمان با تجاوز سازمان به مردم و شهرهای مرزی، ارتش عراق که تا سرپل ذهاب پیش روی کرده بود، با اجرای آتش سنگین

توپخانه مسیر را برای نیروهای سازمان هموار می‌کرد. با آتش توپخانه ارتش عراق، تعدادی از زنان و کودکان روستاهای منطقه به شهادت رسیدند و تعداد دیگری نیز با آتش سلاح‌های ارتش آزادی بخش نقش بر زمین می‌شدند. نیروهای سازمان که موفق به عبور غافلگیرانه از مرز شده بودند در مقابل مقاومت پراکنده سپاه چهارم بعثت کرمانشاه متحمل خسارت‌هایی شدند اما به دلیل گسیختگی این مقاومت‌ها و فقدان آتش پشتیبانی، پیش روی خود را به سمت اسلام‌آباد ادامه دادند. در این وضعیت از سوی نیروی زمینی سپاه به لشکر ۶ ویژه پاسداران دستور داده شد که با دو گردان به سمت گردنه پاتاق حرکت کند و حرکت نیروهای سازمان را متوقف سازد، اما با توجه به حرکت ستونی و سریع نیروهای سازمان که متکی به جاده بودند، امکان توقف آنها فراهم نشد.

نیروهای سازمان با اتکا به جاده‌های منطقه و بدون هیچ گونه تأمین از جناحین، خود را به اسلام‌آباد رساندند. در این زمان به دستور آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا، کلیه نیروهای سپاه و بسیج که در باختران مستقر بودند به سمت اسلام‌آباد به حرکت درآمدند. در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۷/۵/۳ این شهر به تصرف سازمان درآمد. نیروهای سازمان هم‌زمان با پاک‌سازی شهر، حرکت ستونی خود را به سمت باختران ادامه دادند، اما چون مردم به شدت از رفتار نیروهای سازمان وحشت زده شده و به سمت باختران حرکت می‌کردند، ترافیک سنگینی روی جاده ایجاد شد. با ایجاد ترافیک بر روی جاده، حرکت ستونی ارتش آزادی بخش کند شده و با رسیدن نیروهای لشکر ۶ پاسداران به گردنه چهارزبر، در همین نقطه متوقف شدند. (۳۰) توقف ارتش آزادی بخش در پشت ترافیک چند کیلومتری مردم، ابتکار عمل را از آنان گرفت و فرماندهان ارتش آزادی بخش که جز حرکت بر روی جاده، تاکتیک دیگری را نیاموخته بودند، به ناچار به درگیری با مردم و نیروهای سپاه و بسیج پرداختند. در این زمان نیروهای سپاه و بسیج با کمک مردم موفق به توقف نیروهای سازمان شدند. آقای هاشمی رفسنجانی که در این زمان در شهر باختران حضور داشت به اتفاق برادران

علی شمخانی و غلامعلی رشید در یک بسیج عمومی از نیروهای مردمی شهر باختران، واحدهایی را برای سرکوب متجاوزین آماده و به منطقه اعزام کردند. (۳۱) قبل از این، برادر شوشتری، دانشیار، حمیدی نیا و شبانی در گردنه چهارزبر مستقر بودند و با اندک نیروهای خود مقاومت می کردند.

عملیات مرصاد، نحوه مقابله مردم و رزمندگان ایران با

سازمان

فرمانده کل سپاه که در منطقه جنوب هدایت و کنترل یگان ها

را در مقابله با ارتش عراق به عهده داشت و با توان نیروی زمینی سپاه موفق به تثبیت حرکت نیروهای متجاوز در جنوب شده بود، به محض اطلاع از وضعیت مناطق عملیاتی غرب کشور با دو فروند هلی کوپتر از اهواز با برادران قاسم سلیمانی و جعفر اسدی -فرماندهان لشکرهای ۴۱ ثارالله و ۳۳ المهدی- و دو دسته نیروی تک ور به سمت اسلام آباد حرکت کرد. (۳۲) برادر محسن رضایی در غروب ۱۳۶۷/۵/۳ تشکیل قرارگاهی به نام مرصاد-

قرارگاه مقدم نیروی زمینی در ارتفاعات مشرف به اسلام آباد، طرح ریزی عملیاتی گسترده علیه سازمان را آغاز کرد. (۳۳) وی در تماس بی سیمی با فرماندهان عمل کننده در منطقه، نگرانی امام از شرایط مردم و جنایت هایی که نیروهای ارتش آزادی بخش علیه آنان انجام داده اند را به اطلاع فرماندهان رساند و گفت: امروز روز دفن منافقین است و خداوند لطف کرده و در مقابل صداقت و خلوص امام در نوشیدن جام زهر (قبول قطعنامه ۵۹۸)، منافقین را در اختیار نیروهای اسلام قرار

داده است. (۳۴) با تشکیل قرارگاه نیروی زمینی سپاه، اقدامات عملیاتی علیه ارتش آزادی بخش سازمان دهی و مقرر شد این اقدامات در دو مرحله سد پیش روی و محاصره و انهدام اجرا شود. قبل از این به دستور آقای هاشمی رفسنجانی اطلاعیه تجاوز سازمان مجاهدین به مرزهای کشور از طریق صدا و سیما پخش شده بود.

با اعلام خبر حمله منافقین به دلیل ماهیت سازمان و نفرت

عمومی مردم از آنان، بلافاصله نیروهای داوطلب سراسر کشور

و به ویژه نیروهای بومی که عملکرد وحشیانه منافقین را در کردند و اسلام آباد دیده بودند، وارد پادگان های سپاه در باختران شدند. واحدهای مستقر در منطقه بلافاصله نیروهای بومی را سازماندهی کرده و وارد منطقه عملیاتی کردند. بسیاری از مردم، بدون سلاح خود را به اطراف گردنه چهارزبر رسانده و مایل بودند بدون سلاح به مصاف متجاوزین بروند.

مرحله اول: سد پیشروی

سد پیشروی نیروهای سازمان که توسط مردم و دو گردان از لشکر ۶ پاسداران در

گردنه چهارزبر صورت گرفته بود، با اعزام نیروهای جدید، پوشش مناسب تری یافت. قرارگاه نجف اشرف از سمت کرمانشاه و گردنه چهارزبر مأموریت سد پیش روی را به عهده داشت. این قرارگاه با تأخیر در حرکت سازمان موفق شد تلفات قابل توجهی به نیروهای سازمان در این محور وارد آورد. خاکریزهایی که توسط قرارگاه در گردنه چهارزبر ایجاد شده بود، مملو از خودروهای سازمان و اجساد نیروهای آنها بود. با طلوع آفتاب، فرماندهی ارتش آزادی بخش که هیچ گونه توفیقی

به هر تقدیر پس از برقراری و تشکیل رده
تأمینی و خط دفاعی در گردنه چهارزبر،
سامان دهی خط پدافندی آغاز شد و دو گردان
از لشکر ۶، یک گردان از سپاه چهارم بعثت و
دو گروهان از تیپ ۱۲ قائم (عج) به صورت
کامل در این خط مستقر شدند. در این زمان به
دستور برادر محسن رضایی و با هماهنگی های
به عمل آمده توسط برادران شمخانی، رشید و
شهید صیاد شیرازی، هوانیروز مستقر در
باختران آماده شد تا با انجام پروازهای
شناسایی، وضعیت نیروهای ارتش
آزادی بخش را در منطقه شناسایی کرده و آنها
را مورد هجوم هلیکوپترهای خود قرار دهند.

در امور نیروهایش از گردنه چهارزبر مشاهده نمی کرد، دستور داد تا نیروهای سازمان به سمت چپ و راست جاده رفته و بر روی ارتفاعات نه چندان بلند منطقه مستقر شوند. در این زمان فرمانده سپاه ۴ بعثت، نیروهای خود را وارد منطقه کرد و به تعقیب نیروهای فراری سازمان پرداخت. در این مواجهه، نزدیک به ۱۲۰ نفر از نیروهای سازمان کشته شدند و تعداد ۲۳ نفر از آنان نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند. ۳۵ نفر از نیروهای اسیر که بسیار خسته و تشنه بودند، هنگامی که توسط نیروهای بسیج آب و غذا دریافت می کردند، اظهار می داشتند که باورمان نمی شود که به ما آب و غذا بدهید، حتی باورمان نمی شود که زنده باشیم، چون در سازمان به ما این گونه القا کرده بودند که به محض دست گیری، شما را خواهند کشت. (۳۶)

به هر تقدیر پس از برقراری و تشکیل رده تأمینی و خط دفاعی در گردنه چهارزبر، سامان دهی خط پدافندی آغاز شد و دو گردان از لشکر ۶، یک گردان از سپاه چهارم بعثت و دو گروهان از تیپ ۱۲ قائم (عج) به صورت کامل در این خط مستقر شدند. در این زمان به دستور برادر محسن رضایی و با هماهنگی های به عمل آمده توسط برادران شمعخانی، رشید و شهید صیاد شیرازی، هوانیروز مستقر در باختران آماده شد تا با انجام پروازهای شناسایی، وضعیت نیروهای ارتش آزادی بخش را در منطقه شناسایی کرده و آنها را مورد هجوم هلیکوپترهای خود قرار دهند.

مرحله دوم: محاصره و انهدام

در این مرحله واحدهای جمهوری اسلامی ایران مأموریت داشتند، پیشانی جنگی نیروهای سازمان واقع در تنگه چهارزبر را مورد هجوم قرار داده و با فشار از جناحین جاده، مانع از پراکندگی آنان شوند. یکی از واحدهای رزمی سپاه نیز به گردنه پاتاق مأمور شد تا از فرار نیروهای سازمان به خاک عراق جلوگیری کند. (۳۷) نحوه حرکت نیروهای سازمان نشان می داد که آنها بدون اتکا به جاده قادر به هیچگونه اقدامی نیستند و این مسئله بزرگ ترین نقطه ضعف عملیاتی آنان محسوب می شد. بر همین اساس فرمانده کل سپاه، قرارگاه های زیر را با

مأموریت های خاص تشکیل داد:

(الف) قرارگاه مقدم نیروی زمینی سپاه: فرماندهی، هدایت و کنترل کل عملیات را به عهده داشت که برادران محسن رضایی، علی شمعخانی و غلامعلی رشید در این قرارگاه فعال بودند. برادر محسن رضایی در محور اسلام آباد، پلدختر بر روی ارتفاعات حاشیه جاده مستقر بود و برادران شمعخانی و رشید در شهر باختران فعالیت می کردند. جناب آقای هاشمی رفسنجانی نیز به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا، نظارت بر امور عملیاتی و هماهنگی های کلی مورد نیاز را به عهده داشتند. (۳۸)

(ب) قرارگاه نجف ۱: به فرماندهی برادر حمیدی نیا که قبل از این به اتفاق برادران شبانی و محصولی و با کمک نیروهای بومی منطقه، پیش روی سازمان را در ۳۵ کیلومتری باختران سد کرده بودند، مسئولیت تهاجم به پیشانی جنگی سازمان بر روی جاده اسلام آباد به باختران را به عهده داشت. استعداد این قرارگاه ۳ گردان پیاده بود.

(ج) قرارگاه سپاه چهارم بعثت: به فرماندهی محمدرضا شبانی مسئولیت محاصره نیروهای سازمان از جناح شرقی جاده اسلام آباد به باختران را به عهده داشت. این قرارگاه مأموریت داشت در امتداد جاده باختران به سمت مرز از قسمت های شرقی و شمالی جاده، نیروهای سازمان را تحت فشار گذاشته و مانع از فرار آنان شود. استعداد این قرارگاه ۲ گردان نیروی پیاده بود.

(د) قرارگاه رمضان: به فرماندهی برادر محمدباقر ذوالقدر مسئولیت محاصره شهر اسلام آباد را به عهده داشت که قرار بود از سمت غرب و شمال غربی به این شهر نزدیک شده و مانع از فرار نیروهای سازمان به سمت مرز شود. استعداد این قرارگاه ۲ گروهان پیاده بود. در این محور ۲ گردان از نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) حضور داشتند که تلاش اصلی آنان حمله به مقر نیروهای سازمان در شهر اسلام آباد بود.

(ه) قرارگاه تاکتیکی نجف ۲: به فرماندهی برادر کریمی، مسئولیت محاصره نیروهای سازمان از جناح غربی جاده اسلام آباد به باختران را به عهده داشت.

عملیات فروغ جاویدان و پاسخ کوبنده ایران به
آن (مرصاد) در شرایطی روی داد که تصور می شد
ایران در ضعیف ترین وضعیت سیاسی و
نظامی قرار دارد و از نظر سیاست داخلی
بسیار شکننده است. اما برخلاف این تصور،
نیروهای سپاه پاسداران در فاصله کمتر از
ده روز از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ موفق شدند
دو هجوم گسترده ارتش عراق در جنوب و
سازمان مجاهدین (منافقین) در غرب را
پاسخ داده و نیروهای دشمن را
مجبور به فرار کنند.

مأموریت این قرارگاه، محاصره و تحت فشار قرار دادن
نیروهای سازمان در امتداد جاده باختران به سمت مرز بود و
منطقه مأموریت این قرارگاه قسمت های غربی و جنوبی جاده
بود. استعداد این قرارگاه نیز دو گردان پیاده بود. علاوه بر این،
قرارگاه نجف ۲ مسئولیت اعزام یک گردان نیروی پیاده به تنگه
پاطاق را داشت تا از فرار نیروهای سازمان جلوگیری کند.

شرح عملیات مرصاد

در صبح روز ۱۳۶۷/۵/۴، دو گردان از لشکر ۹ بدر و دو گردان
از لشکر ۲۸ روح الله به قرارگاه مرصاد ۱، نجف ۱ و قرارگاه رمضان
مأمور شدند. از طرفی ارتباط برادر محسن رضایی با فرمانده
لشکر ۵۷ ابوالفضل که همراه با یک گروهان از نیروهایش در تنگه
شبان قرار داشتند، برقرار شد. فرمانده قرارگاه مقدم نیروی
زمینی سپاه به فرمانده لشکر ۵۷ ابوالفضل دستور داد تا همراه با
نیروهایش به سمت تنگه پاطاق حرکت کرده و مانع از فرار
نیروهای سازمان به عراق شود. نیروهای تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص)
که در پادگان ابوذر با تیپ ۳ ارتش آزادی بخش درگیر بودند به
دستور برادر کرمی، فرمانده قرارگاه نجف ۲، یک گروهان از
نیروهای خود را به نزدیکی شهر اسلام آباد رساند تا فشار
بیش تری را به نیروهای سازمان وارد آورند. وی با نیروهای سپاه
و مردم ایلام یک واحد مستقل تشکیل داده و آنها را به جنوب
اسلام آباد نزدیک کرد، قبل از اینکه برادران الله کرم و سعید

قاسمی با لباس مبدل وارد شهر اسلام آباد شوند و شناسایی
کاملی از واحدهای سازمان در این شهر به عمل آوردند.

با طلوع آفتاب روز ۱۳۶۷/۵/۴، هجوم نیروهای خودی به
واحدهای ارتش آزادی بخش آغاز شد. با اولین فشار قرارگاه
نجف ۱ از سمت تنگه چهارزبر، نیروهای سازمان دست به
عقب نشینی زدند، اما بلافاصله تیپ محور همدان ارتش
آزادی بخش خود را به خاکریزها رساند و شروع به مقاومت
کرد. در این فاصله برادر حمیدی نیا به نیروهای احتیاط خود که
در تپه های اطراف تنگه چهارزبر مستقر بودند فرمان حمله داد و
آنان نیز پس از شلیک تعدادی گلوله خمپاره خود را به خاکریزها
رسانده و به نیروهای سازمان هجوم بردند. فرماندهی محور
همدان سازمان با مشاهده این هجوم سنگین، بسیار مأیوس و
ناامید شد و دستور عقب نشینی داد. با عقب نشینی و فرار این
نیروها روحیه سایر نیروهای سازمان به شدت تضعیف شد و آنها
نیز پا به فرار گذاشتند.

خبر فرار نیروهای سازمان که به قرارگاه مرکزی عملیات
مرصاد رسید، فرمانده قرارگاه از برادران شمشخانی و رشید
خواست تا هر چه سریع تر هلی کوپترهای هوانیروز را به پرواز
درآورده و پس از شناسایی سریع، اقدام به تعقیب و انهدام
واحدهای در حال فرار سازمان کنند. با تدبیر فوق به نظر
می رسید جاده باختران به اسلام آباد و کرند به گورستان دشمنان
تبدیل شود. با شروع آتش هلی کوپترها، خودروهای سازمان که
پیر از نیروی در حال فرار به سمت اسلام آباد و کرند بودند، مورد
اصابت موشک های رها شده قرار گرفتند و یکی پس از دیگری
منهدم شدند. با بسته شدن جاده و فشار نیروهای خودی که به
شهر اسلام آباد نزدیک شده بودند، نیروهای سازمان به تپه ها و
زمین های کشاورزی اطراف جاده پناه بردند. با این اقدام،
فرماندهی قرارگاه مقدم نیروی زمینی سپاه به قرارگاه های سپاه
چهارم بعثت و نجف ۲ دستور داد تا نیروهای خود را برای
دست گیری نیروی فراری سازمان به جاده باختران اسلام آباد
نزدیک کنند. برادران شبانی و کرمی که نیروهای خود را به
صورت دشتبان به سمت جاده حرکت داده بودند، با باقی مانده

نیروهای سازمان درگیر شدند و پس از کشتن بسیاری از آنان تعداد قابل توجهی را نیز اسیر کردند. (۳۹)

فرمانده قرارگاه مرکزی با مشاهده اضمحلال نیروهای سازمان، از برادران شمشخانی و رشیدخواست تا هر چه سریعتر با استفاده از هلی کوپترهای هوانیروز ارتش، نیروهای لشکر ۹ بدر و ۲۸ روح الله را در نزدیکی شهر اسلام آباد پیاده کرده تا بتوان بیش تری به انهدام نیروهای فرار پردازند.

از سوی دیگر برادر رضایی به برادر کرمی فرمانده قرارگاه نجف ۲ دستور داد تا بخشی از نیروهای خود را به سمت پادگان الله اکبر و نزدیکی مرز برده تا مانع از فرار نیروهای سازمان به عراق شوند. در این لحظات (ساعت ۱۶:۰۰ روز ۱۳۶۷/۵/۴) که شهر اسلام آباد به طور کامل در کنترل نیروهای سپاه پاسداران قرار گرفته بود، برادر صیاد شیرازی همراه با هلی کوپترهای هوانیروز هم چنان مشغول، انهدام واحدهای ارتش آزادی بخش بود که در حال فرار به سمت مرز بودند. دست گیری نیروهای سازمان نیز ادامه داشت. فرماندهی قرارگاه مرکزی به کلیه فرماندهان دستور داد که به خودروهایی که در حال امداد رسانی و پشتیبانی از نیروهای خودی هستند، ابلاغ شود تا نیروهای خودی و دشمن را نیز جمع آوری کرده و به بیمارستان های باختران انتقال دهند. (۴۰)

در این زمان که عرصه بر نیروهای ارتش آزادی بخش بسیار تنگ شده بود، دو گردان از واحدهای لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، که قبلاً آماده شده بودند، به منطقه اعزام شدند تا پاک سازی منطقه را با دقت و وسعت بیش تری انجام دهند. ساعت، ۱۷:۳۰ روز ۱۳۶۷/۵/۴ را نشان می داد که فرمانده کل سپاه پاسداران برای اطمینان از پاک سازی شهر اسلام آباد وارد این شهر شد و به نیروهای مستقر در شهر دستور داد تا کوچه به کوچه و خانه به خانه شهر را پاک سازی کنند تا مردم به زندگی عادی خود ادامه دهند. (۴۱) مردم شهر نیز که اکثراً مسلح شده بودند کنترل شهر را به عهده گرفتند تا نیروهای نظامی با آرامش بیش تری به تعقیب و تنبیه متجاوزین پردازند.

نیروهای مستقر در مناطق مرزی و تنگه پاطاق نیز با بستن راه

عبور نیروهای سازمان، تعداد زیادی از آنان را منهدم کردند و به تعقیب آنان به سمت داخل کشور پرداختند. (۴۲) عملیات تعقیب و دست گیری نیروهای سازمان تا شب و نیز روز ۱۳۶۷/۵/۵ به طول انجامید و فرماندهی سپاه به منظور سازمان دهی متمرکز این مرحله از عملیات، برادر وحیدی را به عنوان فرمانده ارشد منطقه تعیین کرد تا عملیات پاک سازی و دست گیری نیروهای سازمان زیر نظر ایشان ادامه یابد.

نتایج عملیات

عملیات فروغ جاویدان و پاسخ کوبنده ایران به آن (مرصاد) در شرایطی روی داد که تصور می شد ایران در ضعیف ترین وضعیت سیاسی و نظامی قرار دارد و از نظر سیاست داخلی بسیار شکننده است. اما برخلاف این تصور، نیروهای سپاه پاسداران در فاصله کمتر از ده روز از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ موفق شدند دو هجوم گسترده ارتش عراق در جنوب و سازمان مجاهدین (منافقین) در غرب را پاسخ داده و نیروهای دشمن را مجبور به فرار کنند. هجوم گسترده مردم شهرهای مختلف کشور به جبهه های جنگ، که دقیقاً پس از اطلاع از تهاجم عراق و سازمان مجاهدین صورت گرفت، نشان داد که مردم ایران همچون گذشته آماده دفاع از کیان میهن اسلامی خود هستند و نفرت آنان از سازمان مجاهدین خلق کمتر از صدام و رژیم بعث نیست. دست آوردهای این عملیات (مرصاد) را می توان در دو بخش سیاسی و نظامی به شرح زیر بیان کرد:

الف) دست آوردهای سیاسی

- ۱) افشا شدن هر چه بیشتر جریان نفاق با قرار گرفتن آنان زیر نظر مستقیم صدام و بعثیون
- ۲) شفاف شدن ماهیت سازمان مجاهدین خلق بیش از گذشته در میان مردم ایران
- ۳) برطرف شدن تردیدهای بین المللی نسبت به تروریستی بود رفتار و اندیشه های رهبران و اعضای سازمان
- ۴) عدم حمایت بین المللی از اقدامات سازمان مجاهدین خلق
- ۵) روشن شدن ضعف های اساسی سازمان در ابعاد

ایدئولوژی، تحلیل، رهبری، سازماندهی و ...

۶) مشخص شدن عمق کینه مردم ایران نسبت به سازمان،

رهبری، کادرها و اعضای آن

۷) قرار گرفتن رجوی و صدام در کنار یکدیگر و در مقابل

دولت و ملت ایران

۸) روشن شدن وابستگی عمیق منافقین به سازمان‌های

جاسوسی و تروریستی، خصوصاً رژیم صهیونیستی اسرائیل

۹) پایان عمر سیاسی و نظامی سازمان هم‌زمان با پایان جنگ

ایران و عراق

۱۰) درک عمیق نظام بین‌المللی نسبت به مشروعیت و

مقبولیت امام و نظام سیاسی حاکم در ایران

۱۱) پویایی و بالندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان

نهادی که پاسداری و نگهداری از انقلاب اسلامی را به عهده دارد.

ب) دست‌آوردهای نظامی (۴۳)

۱) هلاکت و از بین رفتن بیش از ۲۵۰۶ نفر از کادرها و اعضای

سازمان مجاهدین خلق که در میان آنان تعدادی از کادرهای بالا

و مرکزیت سازمان مشاهده می‌شدند. در این رابطه حتی هویت

افراد نیز مشخص گردید.

۲) از بین رفتن بیش از ۴۳۸ دستگاه نفربر، تانک و خودرو

۳) انهدام بیش از ۱۲۰۰ قبضه تجهیزات نظامی از قبیل توپ

ضدهوایی، موشک انداز، خمپاره، سلاح انفرادی و ...

۴) اسارت بیش از ۵۶۶ نفر از اعضا و کادرهای سازمان که در

بین آنان چند تن از کادرهای اصلی و بالای سازمان وجود

داشتند.

۵) به غنیمت در آمدن ۵۳۱ دستگاه تانک، نفربر و خودرو

و مقادیر زیادی تجهیزات و سلاح‌های انفرادی

ج) خسارتهای نیروهای خودی (۴۴)

۱) شهادت ۲۳۶ نفر از مردم، نیروهای بسیج و سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی

۲) وارد آمدن خسارت به یک فروند هلی‌کوپتر هوانیروز

ارتش

۳) تخریب تعدادی از ساختمان‌های اداری و مسکونی

شهرهای کرد و اسلام‌آباد

۴) انهدام ۳۵ دستگاه خودروی نظامی و شخصی متعلق به

مردم

۵) وارد آمدن خسارت به ۴۵ دستگاه خودرو که تعدادی از

آنها متعلق به مردم عادی بود.

آزمون فرضیه تحقیق (نتیجه‌گیری تحقیق)

همانگونه که در مقدمه مقاله اشاره شد، انگیزه اصلی رهبران

سازمان از تهاجم به ایران، تحلیل مرکزیت و رهبری سازمان از

شرایط داخلی ایران بود. آنها با این تصور که پایان جنگ، پایان

عمر سیاسی جمهوری اسلامی ایران است و رهبران ایران در اوج

ضعف سیاسی و نظامی، مجبور به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شده‌اند

و در چنین شرایطی، مشروعیت و مقبولیت نظام از بین رفته و

اکثریت مردم در مقابل حکومت قرار دارند، عملیات فروغ

جاویدان را طرح ریزی و اجرا کردند. فرضیه نگارنده نیز بر این

پایه استوار بود که صرف‌نظر از دلایل تاکتیکی و عملیاتی

شکست سازمان مجاهدین، دلیل اصلی و راهبردی این شکست،

تحلیل نادرست و یا مغایر با واقعیت رهبران سازمان از شرایط

داخل کشور ایران بود.

نتایج عملیات به ویژه مطالبی که در بخش‌های عملیات

فروغ جاویدان و عملیات مرصاد بیان شد به خوبی نشان‌دهنده

غلط بودن فرضیه رهبران سازمان می‌باشد که در اینجا به اختصار

به آنها اشاره می‌شود:

۱) جنگ و نحوه مدیریت آن نه تنها باعث کاهش مقبولیت و

در نتیجه کاهش مشروعیت نظام نشد بلکه با حضور گسترده

مردم در جبهه‌های جنگ، پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، افزایش

مشروعیت و مقبولیت نظام و مسئولین سیاسی را به دنبال داشت.

۲) پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و عکس‌العمل مردم نسبت به

هجوم عراق و مجاهدین نشان داد که این تصمیم باعث افزایش

نفوذ امام و نظام سیاسی در مردم شده و این درک را در مردم

تقویت کرد که تصمیمات نظام، مبتنی بر عقلانیت و خرد جمعی

است.

۳) حضور گسترده مردم در مناطق عملیاتی در روزهای

پایانی جنگ به ویژه در منطقه غرب کشور و در مقابله با سازمان مجاهدین نشان داد که مردم همواره در کنار نظام و مسئولین هستند و به محض احساس خطر، حاضر به بذل جان و مال خویش هستند.

۴) نحوه مقابله مردم بومی با ارتش آزادی بخش و عدم همکاری آنان با نیروهای سازمان بیان گر این نکته است که حتی مردم زجر کشیده منطقه که سال ها زیر فشار حملات هوایی و زمینی ارتش عراق قرار داشتند و طعم تلخ فشارها و محرومیت های اقتصادی جنگ را با پوست و گوشت و استخوان خویش لمس کرده اند، حاضر به همراهی با دشمنان انقلاب و نظام نیستند و در تحلیل خود دو مسئله فوق را از یکدیگر تفکیک می کنند.

۵) نتایج عملیات نشان می دهد که برآیند جنگ که کم ترین آن بیرون راندن متجاوزین از خاک ایران بوده است، باعث همبستگی و انسجام ملی در میان مردم شد.

۶) پاسخ مثبت مردم به مسئولین برای حضور در جبهه های جنگ پس از حمله ارتش عراق و مجاهدین خلق نشان میدهد که تحلیل مجاهدین مبنی بر عمیق بودن شکاف میان مردم و مسئولین، غلط بوده و مسئولین کشور به ویژه امام دارای نفوذ گسترده و عمیق در میان مردم هستند. نکته قابل اشاره در پایان مقاله که به نظر نگارنده حائز اهمیت فراوان است، توجه به این مسئله است که سازمان مجاهدین در مقاطع مختلف تاریخی همواره اسیر تحلیل و درک غلط رهبران خود بوده و چنین تحلیل هایی بارها سازمان را در معرض نابودی کامل قرار داده است. دلیل بروز این ضعف اساسی شاید مربوط به وابستگی های پنهان سازمان به جریانات و سازمان های سیاسی باشد؛ که انشاء الله در فرصت و مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

منابع:

۱) سید حمید روحانی، تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، جلد ۳، ص ۲۹۷.

۲) همان، ص ۳۰۳.

۳) هادی شمسی حائری، مرداب، بی جا، ص ۷۶.

۴) انجمن ایران اینترلیگ، برای قضاوت تاریخ، ص ۴۴.

۵) گزارش ویژه، دادستانی کل انقلاب، ص ۳۴.

۶) هادی شمسی حائری، همان، ص ۸۱.

۷) همان.

۸) همان، ص ۸۲.

۹) انجمن ایران اینتر، همان، ص ۴۵.

۱۰) مسعود رجوی، تبلیغات سازمان در سیمای مقاومت، اداره کل التقاط، آرشیو نوآور ویدئو ۳.

۱۱) هادی شمسی حائری، همان، ص ۹۴.

۱۲) مسعود رجوی، همان.

۱۳) همان.

۱۴) انجمن ایران اینترلیگ، همان، ص ۹۴.

۱۵) سازمان مجاهدین خلق، دهمین سالگرد عملیات فروغ جاویدان، چاپ لندن، دفتر سیاسی، ۱۹۹۸، ص ۷۶.

۱۶) انجمن ایران اینترلیگ، همان، ص ۱۰۵.

۱۷) گزارش ویژه، سازمان حفاظت اطلاعات منطقه غرب، ۱۳۶۴/۱۷/۱۵، ص ۵.

۱۸) همان، ۱۳۶۶/۷/۲۵، ص ۴.

۱۹) همان، ۱۳۶۷/۷/۱۲، ص ۲.

۲۰) همان، ۱۳۶۷/۳/۳۱، ص ۲.

۲۱) مسعود رجوی، همان، آرشیو شماره ۷.

۲۲) هادی شمسی حائری، همان، ص ۸۶.

۲۳) اعترافات سعید شاهسونند، اداره کل التقاط وزارت اطلاعات، اسناد مرصاد، سند شماره ۴۰.

۲۴) همان.

۲۵) مسعود رجوی، همان.

۲۶) مجید مختاری، سخن رانی در دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا، ۸۲/۶/۳۱.

۲۷) سعید شاهسونند، همان، سند شماره ۴۵.

۲۸) سازمان مجاهدین خلق ایران، همان، ص ۱۵۶.

۲۹) انواع خودروهای زرهی: (زره پوش چرخ دار فرانسوی بنها ۷۰ دستگاه، تفنگ ۱۰۶ میلی متری ۱۰۰ قبضه، سلاح پدافند هوایی ۴۰/۲۱ میلی متری ۱۰۰ قبضه، توپ ۱۲۲ میلی متری ۳۰ قبضه، انواع خمپاره انداز ۶۰ و ۸۰ کماندویی ۲۹۹ قبضه، تیربار دوشکا ۸۰ قبضه، موشک سهند ۵۰ قبضه و انواع خودرو ۱۲۰۰ دستگاه).

۳۰) وفیق سامرایی، ویرانی دروازه های شرقی، ص ۱۲۲.

۳۱) یادداشت های نویسنده از عملیات مرصاد، ۱۳۶۷/۵/۸.

۳۲) همان.

۳۳) مجید مختاری، راوی قرارگاه خاتم، دفتر شماره ۱۲، دست نوشته های راوی، ص ۶۷.

۳۴) همان، ص ۷۱.

۳۵) همان، ص ۱۱۱.

۳۶) یادداشت های نویسنده از عملیات مرصاد، ص ۱۵.

۳۷) همان، ص ۱۶.

۳۸) همان، ص ۱۷.

۳۹) همان، ص ۱۹.

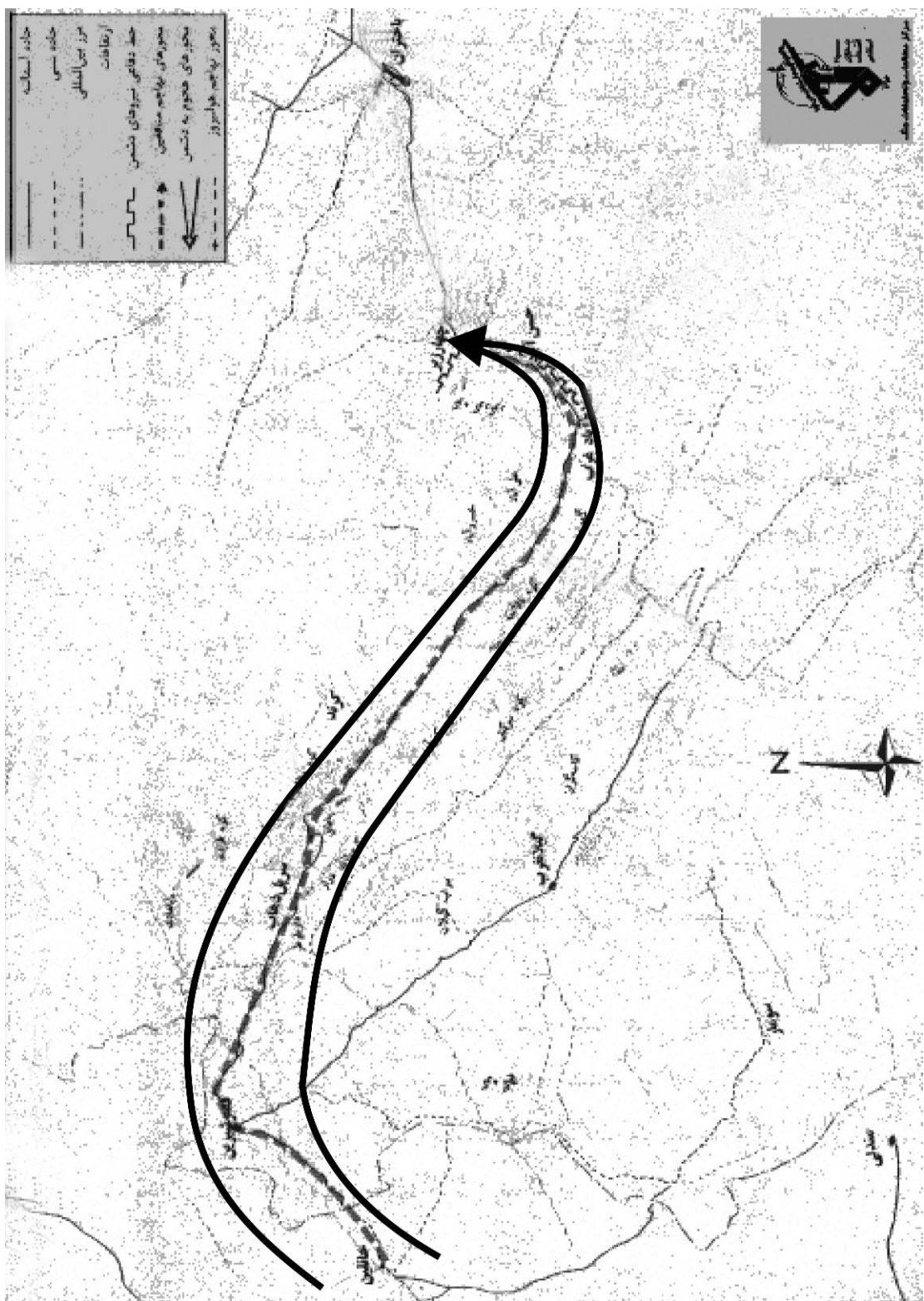
۴۰) همان، ص ۲۵.

۴۱) مجید مختاری، همان، ص ۱۲۹.

۴۲) همان، ص ۱۳۱.

۴۳) گزارش ویژه، همان، ۱۳۶۷/۵/۱۲.

۴۴) همان.



عملیات شروع جاده‌سازی

